

آیا بودجه سال آینده در خدمت توسعه کشور است؟

حدود کارایی بودجه ۱۴۰۲

ی‌تراز یا ناترازی آن بسنده کرد؛ زیرا موازن حاکم بر مالیه عمومی کشور به همان اندازه‌ای که با ارقام و اعداد (بودجه) سروکار دارد، با حقوق عمومی و علوم سیاسی، اقتصاد توسعه، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی و… در جامعه نیز سروکار دار.

از این‌رو، باید پرسید آیا ساختار و کارکرد مالیه عمومی و بودجه در سال ۱۴۰۲ موجب توانمندی جامعه یا دولت یا هر دو می‌شود یا ضعف و ناتوانی‌ها را به همراه دارد؟

۲- بودجه به مثابه برنامه یک‌ساله کشور

در این سطح، تمام فرایندها و موازن حاکم بر مالیه عمومی کشور باید در قالب یک برنامه یک‌ساله کشور تجلی یابد. در برنامه یک‌ساله باید:

• جایگاه دولت و حاکمیت یا بازار سیاست در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به‌وضوح و شفاف مورد تعریف قرار گرفته و قابل‌نشان‌دادن باشد. به سخن دیگر باید با وضوح کامل، برنامه و سیاست‌های رویکرد توزعی، تخصیصی، تنظیمی و تثبیتی مالیه عمومی کشور در قالب برنامه یک‌ساله تعریف شود و مورد عمل قرار گیرد.

• در کنار تولید کالاها، حاکمیت عمومی (بازار سیاست) که کمیت و کیفیت آنها رونق فضای کسب‌وکار را برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه (بازار اقتصاد) فراهم می‌کند، این بازار اقتصاد است که موتور اصلی برای رشد اقتصادی، افزایش تولید، کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ بی‌کاری، تقویت پول ملی، کاهش فقر، گسترش عدالت اجتماعی، ثبات اقتصادی و اجتماعی، افزایش اعتماد و امیدواری به حال و آینده برای جامعه و کیان کشور خواهد بود.

•جریان بده‌بستان بین دو قطب «بازار سیاست - بازار اقتصاد» یا تعامل «قدرت جامعه - قدرت دولت» باید فضای از درهم‌تیندگی همه‌جانبه بین بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی آن هم در تمام گستره جغرافیای ایران (همه مناطق و بخش‌ها) و تمام گستره جمعیت (تمام آحاد مردم ایران، تمام اقوام، تمام جنسیت‌ها) را فراهم کند.

به سخن دیگر، اگر منظومه دولت و حاکمیت (قوای سه‌گانه) و پیگرد اجرایی و عملیاتی حاکمیت، همگی از یک قسمتان واحد و منکس‌بر قانون اساسی، خیر عمومی، امنیت و منافع ملی برخوردار باشند و آن را در قالب برنامه یک‌ساله (بودجه) سامان و سازمان داده و چگونگی امور را بین مرکز و مناطق مورد تقسیم کار کارآمد قرار دهند، می‌توان گفت نظام اداره کشور برخوردار از حکمرانی خوب است.

۳- بودجه به مثابه منابع و مصارف دولت

در این سطح پس از رعایت موازن حاکم بر مالیه عمومی و اصول حاکم بر برنامه یک‌ساله (برشی از برنامه پنج‌ساله) بودجه سالانه کشور با موازن صریح و شفاف عرصه‌های مالی و پولی خود را در قالب اعداد و ارقام در چگونگی شکل منابع و مصارف به نمایش می‌گذارد. بودجه عمومی دولت در قالب امور خدمات عمومی، امسور دفاعی و امینتی، امور قضائی، امور اقتصادی، انرژی، ارتباطات، حمل‌ونقل، بازرگانی، کشاورزی و آب، امور محیط زیست، امور سلامت، امور آموزش و پرورش، امور رفاه اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شود.

بر اساس موازن بودجه‌ریزی، توزیع اعتبارات و منابع بودجه بین امور فوق و دستگاه‌های ذی‌ربط آن، باید براساس مسائل و مشکلات متبلابه جامعه و کشور، اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی با جهت‌گیری در افزایش رشد

اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر و بی‌کاری، تعادل و توازن‌های بخشی، بین‌بخشی و منطقه‌ای، کاهش تورم، ارتقای جایگاه و منزلت قدرت جامعه و قدرت دولت و ارتقای جایگاه ایران در سطح جهانی باشد.
در این نگرش، بودجه مهم‌ترین سند حکمرانی مالی سالانه بخش عمومی کشور است که حسب موازن حاکم بر مالیه عمومی (بیان عقد قرارداد بین دولت-ملت) و برنامه یک‌ساله کشور، باید چگونگی اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشور و نحوه سامان و سازمان اجرا و عملیات و نحوه‌زمان‌بندی و مرتبه‌بندی برای آنها را به‌وضوح و با شفافیت در خود داشته باشد.

در بودجه کل کشور باید با درستی و با رعایت ضوابط مالی، پولی و حسابداری نشان داده شود که منابع بودجه از چه طریقی حاصل می‌شود و چگونه منابع حاصل‌شده باید بر اساس نیازها، مطالبات جامعه، دردمندسازی جامعه و کشور به خرج گرفته شود.

نحوه مرتبه‌بندی و اولویت‌بندی مصارف نیز بسیار حائز اهمیت بوده و چون منابع بودجه از آن جامعه و ملت است، هزینه‌های آن باید به ترتیب جهت تأمین کالاهای عمومی (هوای سالم، آب سالم، محیط زیست سالم، بهداشت، امنیت، دفاع، تأمین نیازهای اولیه و…) و در مرتبه دوم جهت انتخاب‌ناپذیر دولت (آموزش، درمان و…) و در مرتبه سوم جهت تصدی‌های اقتصادی و اجتماعی عادی دولت که آثار سرسریز مثبتی جهت رفاه و رشد جامعه را دربر دارد، به هزینه گرفته شود. هزینه‌های دولت در غیر از این سه طبقه نمی‌تواند از توجه لازم اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد (پرداخت به گروه‌های خاص، احزاب، افراد و…).

حال باید پرسید مالیه عمومی (یا بودجه کل کشور) در سال ۱۴۰۲ تا چه میزان به این بنیان‌ها و موازن اصولی پایبندی دارد؟ متأسفانه لایحه بودجه ۱۴۰۲ نه تنها بسیاری از بایدهای یک مالیه عمومی را در خود ندارد، بلکه بسیاری از بنیادها در یک مالیه عمومی کارآمد و توسعه‌گرا را نیز در خود دارد. رویکردهای بودجه ۱۴۰۲ نمی‌توانند حتی ظرفیت و توان آنچه را که در سال ۱۴۰۱ (سال بحران‌ها، تورم، بی‌کاری، گسترش فقر و…) وجود داشت، داشته باشد و برعکس، بسیاری از نشانه‌هایی از ضعف‌ترشدن قدرت جامعه را در خود دارد. همچنین باید با تأسف گفت این لایحه بودجه، اگر اوضاع نابسامان و اسفبار این عرصه‌ها را در سال ۱۴۰۱ بدتر نکند، امیدي به اصلاح امور آنها برای سال ۱۴۰۲ ندارد.

نکات برجسته بودجه ۱۴۰۲

۱. با وجود افزایش میزان مالیات‌ها، آن‌هم در شرایط

| تصویر بودجه کل کشور - همت (هزار میلیارد تومان) | | |
|--|-------|----------------|
| هزینه‌ها (حقوق کارکنان، استفاده از کالا، یارانه، رفاه اجتماعی، سایر) | ۹۷۸۱۹ | ۱۴۵۴۳ |
| تملك دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح عمرانی) | ۷۱۱۸ | ۳۲۲۹ |
| تملك دارایی‌های مالی | ۲۹۴۰ | ۲۰۱۷/۸ |
| از محل درآمد- هزینه - از محل درآمد- سرمایه‌ای | ۱۸۰۰ | ۱۶۸/۵ - ۱۶۳۱/۵ |
| جمع مصارف عمومی دولت | ۲۱۶۴۰ | |
| مصارف شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات دولتی | ۳۰۹۷۶ | |
| جمع کل مصارف | ۵۱۰۹۰ | |



سرمایه‌گذاری بین‌نسلی و مولد شود، برای تأمین‌کردن هزینه‌های جاری برای سال ۱۴۰۲ به کار خواهد رفت.

۱.۴ اگرچه لایحه بودجه ۱۴۰۲ بسیار به دور از موازن و اصول حاکم بر مالیه عمومی و برنامه یک‌ساله کشور است و ارقام مندرج در منابع و مصارف برخلاف اصول مالی، با عدم تحقق‌های بنیادین روبه‌رو است (رشد نامناسب منابع و درآمدهای دولت به‌ویژه در حوزه مالیات و فروش نفت، آن‌هم در عصر تشدید تحریم‌ها و تقابل‌ها و نادیده‌گرفتن بسیاری از هزینه‌های قطعی که در موقع عملکرد حقایق و کاستی‌های خود را نشان می‌دهند) به‌همین‌دلیل دولت برای تأمین بخشی از کسری‌های خود بودجه سالانه خود در سرفصل واگذاری‌های مالی (فروش اوراق قرضه، فروش اموال دولتی) عدد دوهزارو ۹۴۰ همت را درج کرده و بابت بازپرداخت بخشی از اوراق نیز دوهزارو ۱۷ همت پرداخت را در هزینه‌های بودجه درج کرده است (کسری ۹۲۲ همت).

۵. کالبدشکافی منابع و مصارف بودجه ۱۴۰۲، بیانگر این است که از منظر حسابداری، ارقام منابع بیش از واقعیت و ارقام هزینه کمتر از واقعیت‌های جامعه مندرج قرار گرفته است. این ناترازی‌ها به آن میزان است که حتی در صورت رفع تحریم‌ها و برپایی تعامل سازنده و عادی کشور با کشورهای منطقه و جهان، نمی‌توان باز تعادل منابع و مصارف بودجه کشور را برقرار کرد.

۶. به علت تورم‌های فراینده حاکم بر اقتصاد و جامعه، با وجود اینکه بودجه هزینه‌ای و جاری دولت به میزان ۱۴هزارو ۵۴۳ همت از رشدی برابر ۷۳ درصد برخوردار شده است (در کنار بلاتکلیفی بدهی‌های عظیم دولت به بانک‌ها پنج‌هزارو ۷۰۰ همت، عدم انجام تعهدات لازم به سازمان تأمین اجتماعی، بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و بانک‌ها) اما این افزایش در بودجه جاری نمی‌تواند تأمین هزینه نگهداشت اداره مجموعه دولت را در سال ۱۴۰۲ مانند سال ۱۴۰۱ داشته باشد و چنانچه کشور بخواهد اعتراضات کارگران، کارکنان، فرهنگیان و بازنشستگان را در سال ۱۴۰۲ داشته باشد، این تأمین‌شدن هزینه‌های جاری می‌رود که به کسر بودجه اقتصادی (اگرچه از منظر حسابداری سعی بر مخفی‌کردن آن شده است) ابعاد وسیع‌تری داشته باشد.

۷. بودجه طرح‌های عمرانی در جغرافیای چند برابر شدن مواد و مصالح و افزایش هزینه‌های کارگری به میزان سه‌هزارو ۲۷۹ همت و با رشدی به میزان ۱۷ درصد بیانگر این است که کار چشمگیری در این حوزه صورت نگرفته و نباید بگیرد. به سخن دیگر، کشور باید از ظرفیت‌های زیرساختی کمتری برخوردار شود و این بودجه برای نگهداشت کارگاه‌ها می‌تواند کارست داشته باشد یا جابه‌جاکردن اعتبارات عمرانی برای هزینه‌های جاری در بودجه ۱۴۰۲، بناساست این اعتبارات از جایگاه تیرینی برخوردار شود.

۸. فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول دولت که در قانون بودجه ۱۴۰۱ به میزان ۲۶۰ هزار همت، با عدم تحقق بسیار زیاد در ۹ ماهه گذشته روبه‌رو بوده است، در سال ۱۴۰۲ این فروش به میزان هزارو ۷۰ (۵۰۴ برابر بودجه سال ۱۴۰۱) مندرج قرار گرفته است. این مبلغ هم یکی از ارقام پوششی برای ترازکردن بودجه از منظر حسابداری است و هم اینکه با مصوبه اخیر سران قوا در برپایی یک کمیته فراقانونی در واگذاری‌های ثروت مردم آن‌هم به صورت غیرشفاف، می‌رود که به مسائل رانت‌ها و فسادها حاکم بر کشور ابعاد ویژه‌ای بخشد و ناتوانی بیشتری را برای قدرت جامعه و سازندگی آن دربر داشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۰

| توزیع بودجه ۱۴۰۲ براساس امور اقتصادی و اجتماعی - ارقام: هزار همت (هزار هزار میلیارد تومان) | | | |
|---|-------|------|-------|
| امور خدمات (قانون‌گذاری، خدمات مالی و مالیاتی، امور عمومی) | ۱۲۰ | ۲۲۳ | ۳۸۱ |
| امور دفاعی (نیروهای مسلح، نظم و امنیت عمومی) | ۱۲۶۶ | ۱۹۴۴ | ۲۶۶۸ |
| امور قضایی | ۱۹۶ | ۳۲۷ | ۴۱۵ |
| امور اقتصادی (انرژی، ارتباطات، بازرگانی، کشاورزی و منابع طبیعی، آب، تعاون، کار) | ۱۴۹ | ۹۳۴ | ۲۴۴ |
| امور محیط زیست | ۱۱۶/۶ | ۱۸ | ۲۵/۵ |
| امور مسکن و عمران شهری و روستایی | ۲/۷ | ۱۵ | ۵/۶ |
| امور سلامت (بهداشت، درمان) | ۶۳۸ | ۷۳۸ | ۱۸۱۶ |
| امور فرهنگ و تربیت بدنی (دین و مذهب، ورزش و تفریحات، فرهنگ و هنر، میراث فرهنگی، رسانه، گردشگری، صنایع دستی) | ۱۱۲ | ۲۰۶ | ۲۱۶ |
| امور آموزش و پژوهش (آموزش و پرورش، فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، پژوهشهای پایه و توسعه‌ای) | ۱۴۵۲ | ۱۷۶۳ | ۲۸۴۳ |
| امور رفاه اجتماعی (امداد و نجات، بیمه‌های اجتماعی، حمایتی، توان‌بخشی) | ۲۶۹۴ | ۳۶۴۵ | ۵۴۲۹ |
| جمع | ۶۶۴۵ | ۹۷۹۵ | ۱۴۰۴۷ |

بومی‌سازی‌شده بوده یا تأمین آن از جانب سازندگانی انجام شود که دسترسی به آنها در همه شرایط سیاسی (به‌خصوص تحریم) مقدور باشد. این اقلام شامل قوای محرکه (موتور، گیربکس و سامانه تعلیق)، بدنه و مجموعه‌های حساس الکترونیکی است.

شرط دیگر، تسلط «خریدار» روی مباحث کسب‌وکار خودرویی، مالی و اقتصادی، فناوری محصول، فرایندهای تولید خودرو و ارتباطات بین‌المللی است که باید از سوی وزارت صمت تأیید شود.

سومین شرط عبارت است از اینکه در سه سال از آغاز تولید، میزان صادرات محصول باید به ۲۰ درصد برسد و شرط چهارم وزارت صمت، به میزان مصرف سوخت خودروها پس از خصوصی‌سازی مربوط است. براساس این مصرف سوخت سبد محصول تولیدی باید کمتر از پنج لیتر در صد کیلومتر باشد.

شرط پنجم این است که شرکت‌های خودروسازی پس از واگذاری و در عرض یک سال به ۸۰ درصد ظرفیت اسمی سایت تولیدی برسند. شرط بعدی این وزارتخانه این است که شرکت‌های خودروسازی پس از واگذاری، تا ۱۰ سال امکان فروش اراضی متعلق به سایت‌های تولیدی را ندارند و تنها پس از گذشت مدت مذکور و تحقق شرایط فوق‌الذکر، زمین‌ها به مالکیت قطعی درخواهند آمد.

آخرین شرط وزارت صمت برای «خریدار»، تولید محصولات قابل رقابت سه سال پس از واگذاری است.

با این حال کارشناسان صنعت خودرو با اشاره به زیان سنگین خودروسازان دولتی و نارضایتی گسترده تولیدکننده و مصرف‌کننده از خودروهای دولتی می‌گویند که دولت برای نجات صنعت خودروسازی راه دیگری جز خصوصی‌سازی این صنعت ندارد و باید دیر یا زود به آن تن دهد.

در بهمن‌ماه که برای تعیین اعضای هیئت‌مدیره برقرار شده بود، بعد از دو دوره در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی نقش بیشتری به بخش خصوصی در صنعت خودروسازی واگذار شد و دو عضو از پنج عضو این مجمع از سهامداران بخش خصوصی انتخاب شدند. هرچند اختصاص دو صندلی به خصوصی‌ها همچنان نمی‌تواند نقش پررنگی در تصمیمات داشته باشد، اما در تصمیمات مهم که به رأی دوسوم اعضا نیاز است، حتما این دو عضو بخش خصوصی اثرگذار خواهند بود.

با این حال فعالان صنعت خودرو می‌گویند تا واگذاری کامل خودروسازان دولتی راه زیادی در پیش است.

هفت‌خان خصوصی‌سازی خودروسازان

در ششم بهمن منوچهر منطقی، معاون صنایع حمل و نقل وزارت صمت خبر داد که شرایط واگذاری سهام خودروسازان به بخش خصوصی را به رئیس هیئت عامل ایدرو بلاغ کرده است. شرایطی که از سوی برخی رسانه‌ها به هفت‌خان رستم برای خصوصی‌سازی خودروسازان دولتی تعبیر شد.

به گزارش تسنیم، طبق این ابلاغیه، شرط نخست واگذاری سهام خودروسازان استفاده از پلتفرم‌های داخلی پس از خصوصی‌سازی است؛ بنابراین خریدار ایران خودرو و سایپا باید ۲۰ درصد از محصولات تولیدی هر یک از دو شرکت را بر مبنای همکاری با یکی از دو خودروساز داخلی و به واسطه استفاده از پلتفرم‌های آنها به تولید برساند. ۳۰ درصد باقی‌مانده سبد محصولات خودروسازان پس از واگذاری سهام دولت می‌تواند شامل خودروهایی باشد که به صورت قطعات منفصله وارد می‌شوند. درحالی‌که طبق سیاست وزارت صمت، قرار است در آینده تعرفه واردات قطعات خودروهای مونتاژی به اندازه تعرفه خودروهای کامل باشد. همچنین میزان خودکفایی برای آغاز کار باید بیش از ۵۱ درصد باشد. زیرمجموعه‌های کلیدی محصول نیز باید جزء اقلام

یکشنبه

۲۳ بهمن ۱۴۰۱

سال بیستم • شماره ۴۴۹۴